کیهان

پای درس علی(ع)

از دنیا فقط باید توشه آخرت را ذخیره کرد

امام علی(ع): آگاه باشـید! دنیا خانه‌ای است که کسی در آن ایمنی ندارد، جز آنکه به جمع‌آوری توشه آخرت پردازد و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی‌یابد. مردم به وسیله دنیا آزمایش می‌شوند. پس هر چیزی از دنیا را که برای دنیا به دسـت آورند، از کفشـان بیرون می‌رود، و بر آن محاسـبه خواهند شـد، و آنچه را که در دنیا برای آخرت تهیه کردند به آن خواهند رسید، و با آن خواهند ماند. **نهج‌البلاغه – خطبه ۶۳**

سالگرد سقوط هواپیمای سرداران سپاه اسلام

بار اول مژه‌هایش سوخت و بار دوم همه وجودش...

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... از کیف یوسـف، چیزهایی باقی ماند؛ نیمه‌سـوخته. سررسیدش که در آن متن تلگراف فرمانده کل قوا، امام(ره) را نوشـته بود و موفقیت عملیـات [ثامن‌الائمه(ع)] را گزارش می‌داد و جانمازش که جیب کوچکی داشـت و مهرش را توی آن می‌گذاشت... عصر روز ۷ مهر [۱۳۶۰]، پنج فرمانده آمدند اهواز که از آنجا با هواپیما به تهران بروند و با امام دیدار کنند و گزارش بدهند. کلاهدوز، فکوری، فلاحی، نامجوی و جهان‌آرا از جیپ پیاده شـدند و به سالن فرودگاه رفتند... C۱۳۰ از روی باند بلند شـد و به طرف تهران چرخید و اوج گرفت... هواپیما نزدیک تهران در منطقه‌ای به نام کهریزک به زمین رسید. با ضربه‌ای که خورد همه‌چیز پرت شد بالا. تابوت‌های چوبی ریخت روی سـر مجروح‌ها و سُـر خورد جلو. هواپیما کمی روی زمین خاکی رفت. تخته سنگی سینه هواپیما را شکافت و دو تکه‌اش کرد. بال‌ها شکست و سوخت هواپیما بیرون ریخت و منفجر شد. شعله انفجار به آسمان رفت. فرماندهان، مجروح‌ها، خدمه‌ها، جنازه‌ها همه سوختند.»

این جملات بخشی از کتاب «مژه‌های سوخته» است که حامد کلاهدوز فرزند سردار رشید اسلام، سرلشکر یوسـف کلاهدوز درباره زندگی و دوران پدرش نوشت و در این جملات آخرین لحظات زندگی پربرکت شهید یوسف کلاهدوز و سرداران دیگر سپاه اسلام یعنی سرلشکر شهید ولی فلاحی جانشـین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ نامجوی وزیر دفاع، نماینده امام در شـورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری، سرتیپ شهید فکوری وزیر دفاع سـابق و فرمانده سابق نیروی هوائی و مشاور رئیس‌ستاد مشترک ارتش که همراه او به شهادت رسـیدند را توصیف نموده است. سردارانی که هر یک روزگار پرفراز و نشیبی را طی کردند، که نکات شگفت و حیرت‌انگیز و در عین حال تکان‌دهنده بسیاری در خود دارد.

ماجرای تشکیلات بی‌نام

یوسـف که فرزند پدری کلاهدوز در قوچان به نام حسـن و یک مادر مهاجر ایروانی به نام عزیزه بود از دانشکده افسری شروع کرد. در آنجا و در آن محیط طاغوتی با دوستی اصفهانی رفیق شـد به نام حسن اقارب‌پرست (که او نیز همرزم یوسف شد در مبارزات علیه شاه و همسنگرش در سـال‌های دفاع مقدس). ازدواج یوسـف کلاهدوز با دخترخاله اقارب‌پرست و ازدواج حسن اقارب‌پرست با خواهر یوسف کلاهدوز، ارتباط این دو دوست را دوچندان ساخت.

آنها در دانشـکده افسری از قرآن و نهج‌البلاغه می‌گفتند و می‌خواندند و مطالبش را با خط خوشی می‌نوشتند و به در و دیوار می‌زدند. در مجالس غیراخلاقی شرکت نمی‌کردند و در بوفه، اغذیه غیرحلال سفارش نمی‌دادند. به جای آن نماز می‌خواندند و در صورت امکان نماز جماعت برپا می‌کردند و اینها از نظر مسئولین آن دانشکده در آن دوران، قابل قبول نبود. اما استادی در دانشـکده افسری به نام سیدموسی نامجوی آنها را با دنیای جدیدی آشنا ساخت. دنیای مبارزه مخفی علیه طاغوت و تلاش برای برپایی انقلاب و نظام اسلامی به رهبری امام خمینی.

شـهید نامجوی از سـال ۱۳۵۰ به بعد، با آن که فعالیت سیاسی در ارتش، خیلی خطرناک بود، بدون ترس و با شـجاعت، اعلامیه‌ها و نوارهای امام را جابه‌جا می‌کرد. یوسـف کلاهدوز و حسن اقارب‌پرست در ارتباط با کلاس‌های سروان موسی نامجوی، به عضویت تشکیلات مخفی درآمدند که هدف براندازی رژیم شاه و برپایی حکومت اسلامی داشت. در سال ۱۳۴۵ عده‌ای از جوانان مسلمان و پرشور پیرو امام خمینی، تشکیلاتی سیاسی/ نظامی را به صورت کاملا مخفی سـازماندهی نموده و برای نخستین‌بار پس از متلاشی شـدن حزب ملل اسلامی و هیئت‌های موتلفه اسلامی، با تلاشی مستمر و با برنامه‌ریزی دقیق و در حالی که خفقان شدیدی بر جامعه حاکم بود، یک سازمان انقلابی اسلامی را تشکیل دادند.

نفوذ در ارکان نظامی رژیم شاه

برنامه این تشکیلات بی‌نام، تشکّل نیروهای مبارز حول محور خط امام و ولایت فقیه و نفوذ در ارگان‌های لشـکری رژیم شـاه بود. اعضای مهم آن: «دکتر حسن آیت» و «سرهنگ موسی نامجوی» بودند که «یوسف کلاهدوز» هم به آنها پیوست و بعدا با «محمد منتظری» و جمعی از طلاب انقلابی حوزه علمیه قم، ارتباط برقرار کرده و همچنین یک تشکیلات دانشجویی اسلامی با مسئولیت «دکتر حسن عباسپور» را به خود جذب کردند.

این تشـکیلات مخفی سیاسی/ نظامی موفق شـد در ارگان‌های حساس رژیم ستم‌شاهی بالاخص ارتش و گارد جاویدان نفوذ کند و با ایجاد شـاخه‌های سری، به دست آوردن اطلاعات مهم نظامی و انتقال آن به نیروهای انقلابی پیرو امام، تامین سـلاح مورد نیاز گروه‌های مسـلح اسـلامی، در دست گرفتن برخی پسـت‌های کلیدی نظامی جهت وارد آوردن ضربه به رژیم در موقع مناسـب، همچنین تربیت افـراد مبارز درون این ارگان‌ها، در یک دهه پایانی رژیم شـاه خدمات ارزنده‌ای به نهضت امام نمود.

و شهید کلاهدوز و شهید اقارب‌پرست، در این تشکیلات وظیفه‌ای دشوار برعهده داشتند که از یک طرف ظاهر خود را حفظ نمایند تا ماموران ضد اطلاعات ارتش شاه به آنان شک نکنند و از طرف دیگر تشکیلات مزبور را در میان پرسنل مؤمن و معتقد ارتش، توسعه دهند.

راوی کتـاب «مژه‌های سـوخته» درباره این مقطع از زندگی شـهید کلاهدوز و شـهید اقارب‌پرست می‌نویسد:

«... اردیبهشت سـال ۱۳۴۸ یوسف کلاهدوز و حسن اقارب‌پرست را فرستادند مرکز زرهی شیراز که دوره رسته مقدماتی زرهی ببینند... نزدیک یک سال بعد، یوسف و حسن را فرستادند خارج از کشور تا دوره ببینند. حسن رفت آمریکا و یوسف انگلستان... یوسف که به ایران برگشت، ضد اطلاعات ارتش احضارش کرد. گزارش‌هایی به یوسـف نشـان دادند کـه در آن‌ها به موارد مشکوکی از سفر حسن اقارب‌پرست اشاره شده بود. حسن در آمریکا با کسی ملاقات کرده بود، یک فعال حقوق بین‌الملل. تعدادی کتاب هم با خودش به ایران آورده بود. در راه بازگشت رفته بود مکه و از آنجا رفته بود عراق و بعد آمده بود ایران. ضد اطلاعات می‌خواست بداند حسن چه کتاب‌هایی آورده اسـت و در عراق چه می‌کرده؟ حسـن انگلستان که بود کتاب «ولایت فقیه» امام را از برادرش مهدی گرفته بود و با خودش آورده بود و توی در چوبی اتاق پنهان کرده بود. بالای در را شـکافته بود و از آن بالا کتاب‌های ممنوع را بین جداره در می‌گذاشت. یوسف همه این‌ها را می‌دانست...»

از کار انداختن ۲۰۰تانک

شـهید کلاهدوز در بازگشت از ماموریت خارج کشـور، با عزم جزم‌تر در خدمت تشکیلات یادشـده قرار گرفت و جلسات متعدد قرائت قرآن و آموزش مباحث اسلامی برقرار کرد که از آن طریق ارتشـیان مسلمان را جذب تشکیلات نمود. تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی حضرت امام و طراحی نقشـه‌های مقابله با توطئه‌های ارتش و گارد شاه علیه انقلابیون مسلمان پیـرو امام خمینی از جمله اقدامـات کلاهدوز و یارانش در این دوران بود. شـهید کلاهدوز از جهت علاقه‌ای که به هنر و از جمله سـینما داشـت، یک دوربین سوپرهشت هم تهیه کرد و به فیلمبرداری از برخی نقاط و مناطق حساس نظامی پرداخت.

از جمله فعالیت‌هایی که شـخص شـهید کلاهدوز در آنها مشارکت داشت، متشکل کردن افسران انقلابی، طرح ترور شاه و خنثی کردن کودتای ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ با از کار انداختن حدود ۲۰۰تانک گارد شاهنشاهی بود.

با پیروزی انقلاب، شـهید کلاهدوز بـه فرمان امام و همراه گروهـی از انقلابیون، اقدام به تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمودند. کلاهدوز به عنوان مسئول آموزش و عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش بسیار تاثیرگذاری در شکل‌گیری سپاه داشت و از همین روی به قائم‌مقامی فرماندهی کل آن منصوب شد.

پای کار فیلم سفیر

تدوین اساسنامه تشکیلات سپاه از جمله مواردی بود که شهید کلاهدوز در آن نقش بسزایی داشت و حتی برای رنگ و فرم لباس و طراحی آرم و نشان سپاه نیز حساسیت‌ها ویژه‌ای به خرج می‌داد. در همین حال و احوال، علاقه به هنر و سـینما را همچنان حفظ کرده بود و در نوشتن فیلمنامه و تولید فیلم «سـفیر» نقش مهمی برعهده داشت. حامد کلاهدوز در کتاب «مژه‌های سوخته» درباره این وجه از فعالیت‌های پدرش نوشته است:

«... داستان قیس بن مسهر به فیلمنامه تبدیل شد و با کمک مالی و حمایت‌های سپاه برای فیلمبرداری آماده شد. فیلمبرداری که شروع شد، یوسف گاهی سر صحنه فیلم می‌رفت و به روند ساخت فیلم نظارت می‌کرد... فیلم سینمایی «سفیر» اولین پروژه تاریخی سینمای بعد از انقلاب بود. سـال ۶۱، سه سـال بعد از انقلاب اکران شد و بیشترین فروش سال را به دست آورد. موقع اکران فیلم، یوسف شهید شده بود. در اولین نمایش فیلم که نمایش افتتاحیه فیلم بود، خانواده شـهید را هم دعوت کردند. از حامد [فرزند شهید] که آن موقع ۸ سالش بود خواستند که روی سن برود و با یک قیچی که توی سینی برایش آوردند، روبان را قیچی کند.»

مرحوم فریبرز صالح، کارگردان فیلم در مصاحبه‌ای گفت:

«... وقتی آقای حداد عادل از تلویزیون رفتند، نمی‌دانم از چه کانالی اما کار به دست شهید کلاهدوز رسـیده بود و ایشان از من خواستند که کار ساخت این فیلم را برعهده بگیرم... من به اتفاق چند نفر از دوسـتان که در تلویزیون کار می‌کردند، مامور به خدمت شدیم که این فیلم را برای شهید کلاهدوز بسازیم. کار را شروع کردیم و در نیمه‌های راه بود که متاسفانه ایشان شهید شدند. بعد از آن، سپاه از ما خواست که کار را ادامه دهیم...»

شهید کلاهدوز در میان پاره‌های آهن هواپیمای سی ۱۳۰ و در کنار دیگر سرداران سوخت. حامد کلاهدوز درباره سوختن پدرش می‌نویسد:

«... یوسـف کلاهدوز دوبار دچار سـانحه سـوختگی شـد. بار اول در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری که مژه‌ها و کمی از ریش و ابروهایش سوخت و بعد از این حادثه بسیار تلاش کرد تا بفهمد اشکال کارش کجا بوده که همراه رجایی و باهنر به وصال معبود راه نیافته و زنده مانده اسـت. گویا بیش از صورت، دلش سوخته بود. حادثه دوم درست یک ماه بعد اتفاق افتاد؛ وقتی هواپیما دچار سانحه شد و سقوط کرد. این بار تنش سوخت و روحش به ملکوت پرواز کرد.»

پیام رهبر انقلاب به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله

ایران قدرت اوّل دنیاست
روزهای شکوهمندی در پیش است

حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سـیّد مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظّم انقلاب و فرمانده کل قوا، در پیامی به مناسبت سالگرد روزهای آغازین جنگ تحمیلی اول و ایام‌الله دفاع هشت‌سـاله و ماندگار ملّت ایران، با اشـاره به تلاش سلطه‌گران برای بازگرداندن ایـران به دوران عقب‌ماندگی و «ذلّت و خواری» و وابسـتگی و بدنامی از طریق تحمیل جنگ در دهـه اول انقلاب، تأکید کردند: به‌رغم تلاش‌های گسترده، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، با صدایی رساتر و پروازی بلندتر، ققنوس‌وار برخاسـت و این، خصلت مستمرّ این نظام در حوادث دشمن‌ساخته بعدی شد؛ و اینک آن ققنوس در اثر فشارهای دشمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن‌چنان بزرگ شده است که سایه پروازش بر سـرزمین‌های دشمن هم افتاده است. رهبر انقلاب اسلامی همچنین با گرامیداشت دومین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبهه مقاومت، جناب سیّدحسـن نصرالله، و تجلیـل از مقاومـت و مجاهدت عاشـورایی جناب شـیخ نعیم قاسـم، دبیرکل، و رزمندگان حزب‌الله لبنان، خاطرنشـان کردند: این روزهای لبنان، روزهایی برجسـته و پرافتخار برای همه مجاهدان مقاومت، و روزهایی ذلّت‌آفرین و نهایتاً سـرافکنده‌کننده برای آن کسـانی است که در مقابل دشمن صهیونیستی چشم امید به وعده‌های دروغین سلطه‌گران و بدخواهان خود دوخته‌اند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

وَ لَقَدْ اَرسَـلْنا موسـی بِایاتِنا اَنْ اَخـرِجْ قَومَکَ مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النّورِ وَ ذَکِّرْهُم بِاَیّامِ الله

آغازیـن روزهای ماه مهر، یادآور ایّـام الله و پدیدهٔ عظیم و ماندگار دفاع هشـت سـالهٔ جانانهٔ ملّت ایران در جـنگ تحمیلی اوّل اسـت. در آن روزها تابش گرم خورشید انقلاب در پهنهٔ سرزمین ایران، حسّ مطبوعی از همبسـتگی ملّی و وفاداری به مکتب و مرام اسـلام انقلابـی می‌پراکند که از اثر آن یخ‌های سـلطه‌گری و اسـتعمار کهن و نوین در حال ذوب شـدن بود. در آن روزها بعضی از مردم ایران خاطرات بیسـت و چند سال قبل از آن در بدخواهی اسـتعمارگران و حوادث مربوط به ملّی‌سـازی صنعت نفت و کودتای آمریکایی را به یاد داشتند. بعضی دیگر اخبار آن را شنیده بودند و بسیاری از ایشان این واقعیّت که تسلّط اجنبی بر شئون کشورمان چه‌ها بر سـر آن آورده بود را به‌خوبی لمس کرده بودند. امّا روزهای قبل از آن، روزهایی تیره و تار بود که سفیران دولت‌های مسـتکبر بایدها و نبایدها را به شاه مملکت ابلاغ می‌کردند و او هم با رغبت یا با بی‌میلی همان‌ها را اجرا می‌نمود تا آنکه انقلاب عظیم ملّت ایران به رهبری حضـرت امام خمینی(ره) آن بسـاط را برهـم زد. آن روزهای تیره در اثر این انقلاب به روزهای پر نور برقراری جمهوری اسلامی ایران انجامید. این امر بر سلطه‌گرانی که چشم طمع به ثروت‌های این سرزمین دوخته بودند و سال‌ها برای از آنِ خود کردن آن، انواع بدی‌ها را در حقّ مردمان آن روا داشته بودند، بسیار گران می‌آمد. بنابراین از آن پس همـهٔ همّ و تلاش خود را بـرای برگرداندن جریان رود خروشـان ملّت انقلابی به سَمت سابق به‌کار بستند و جنگ تحمیلی اوّل، مهم‌ترین اقدام آنان در دههٔ نخست حیات مبارک جمهوری اسلامی بود.

از دل آتش آن جنگ که به‌دست حزب ضدّ مردمی بعـث و با توهّم جنگـی چند روزه و به دسـت آوردن پیروزی‌ای کم‌زحمت افروخته شـده بود، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، ققنوس‌وار برخاست با صدایی رساتر و پروازی بلندتر از سابق؛ و این خصلت مستمرّ این نظام در حوادث دشمن‌ساختهٔ بعدی شد.

آن روزهایی که دشـمن این ملّـت نوکران خود را بر ایشـان مسلّط ساخته بود و شـکلی نوین از استعمار را اِعمال می‌نمود، به برکت انقلاب و برافراشـتن پرچم اسـلام و جهاد در بسـتر جنگ تحمیلـی، به روزهایی پرافتخار تبدیل شـد که هنوز پس از گذر ۳۸ سـال از انتهای آن، از ملاحظهٔ جزء جزء حوادث آن و روایت‌های صادقانهٔ بازماندگانش، اسـوه‌هایی که هر یک درس‌آموز عبادت، شـجاعت، مقاومت، اخلاق، و انسانیّت هستند، همچون ستارگانی درخشـان بر تارَک تاریخ کشورمان رخ می‌نمایند.

آن روزهایی کـه در آغاز تهاجمات دنباله‌های نظام سلطه، کشورمان برای دفاع از خود در مقابل بسیاری از تهدیدات، دسـتانی خالی را از نظام طاغوت به ارث برده بـود، به برکت اقامهٔ حق و امداد الهی، اینک به روزهایی رسیده است که خودِ سلطه‌گران متجاوز، و نه دنباله‌رُوان آنـان، در مقابل حملات رزمندگان اسـلام، جان‌پناهی می‌جویند و دست التماس به تَرک جنگ برمی‌دارند.

آن روزهایی که آنان دوسـت دارند کشـور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پـر از عقب‌ماندگی، ذلّت و خواری، وابستگی، و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آنِ هسـتیم پُر است از پیشرفت، عزّت، استقلال، و قدرِ اَعلای اعتبار در جهان اسلام و بلکه کلّ جهان. امروز کسانی ما را ابرقدرت چهارم دنیا می‌دانند. البته آنان بر اسـاس محاسبات دنیایی چنین می‌گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلّق به عترت طاهره صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین می‌داند و عمدهٔ مردمانش دلبسـتهٔ آن والامقامانند و بـرای اقامهٔ حق هراسی ندارند را قدرت اوّل جهان می‌داند.

آن روزها دو دریای جنوب ایران، جولانگاه نیروهای دشمن بود، ولی این روزها آنان به‌خاطر ضربات دردآوری که از رزمندگان دلاور و محافظان تنگهٔ هرمز خورده‌اند، از دریـای عـرب جلوتر نمی‌آیند و هـرگاه این خطر را به‌جان خریده‌اند، آسـیبی به‌خـود وارد نموده‌اند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند.

روزهایی بود که سلطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای اِرعاب، خیابان‌های پایتخت را خلوت سـاخته و کودتایی علیه اسـتقلال‌جویی این ملّت به راه انداختند و پس از آن ۲۵ سـال ثروت‌هـای این مملکت را غارت کردنـد؛ ولی ایـن روزها هفت ماه اسـت هموطنان ما میادین و خیابان‌ها را در سراسر کشور به حضور مسئولانه و پرشـور خود زینت بخشیده‌اند تا دل رزمندگان اسلام گرم باشد و دشمن در هراس فرو رود. همچنان‌که بیش از ۳۰ میلیون ایرانـی، جانفدایی خود را اعلام نمودند و آنگاه که برای نوعی سازماندهی بنابر اعلام مجدّد حضور ایشـان بود، تنها در ظرف ۱۰۰ دقیقهٔ نخست، بیش از پانصد هزار نفر ظرفیت خواسـته شده را تکمیل کردند. هم اکنون در سرتاسـر ایران اسلامی که مزیّن به حضور ایرانیان از اقوام متنوّع است، اعلام آمادگی‌های مختلف و به‌خصوص آمادگی‌های مسلّحانه وجود دارد تا آوردگاهی بسازد که ایشان را نام، و دشمن‌شان را ننگ نصیب کند.

روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرز و بوم، با مردانش شناخته می‌شد؛ امّا اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند.

روزهایی بود که دشـمن سـعی کرده بـود عقبهٔ اجتماعی نظام را دائماً ضعیف‌تر سازد ولی در این روزها انواع اقشـار جامعه با تفاوت‌های آشکار، بر حفظ مواضع بحقّ خـود و از جمله حفظ تنگهٔ پر خیر و برکت هرمز پای می‌فشارند.

این مقایسـه بیـن روزهای سـابق و روزهای حال باز هم قابل بسـط و توضیح اسـت، ولی در یک کلام، بنده به‌عنوان خادم مـردم عزیز ایران اعلام می‌کنم که آن روزهای سابق که دشـمن ما آرزوی بازگشت به آن را دارد، گذشـت و دیگر هیچ‌گاه تکرار نخواهد شـد. و البتـه باید با درد و اندوه یادآور شَـوَم که در این روزها جـای خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشّـأن شـهید اعلی‌الله‌مقامهماالشّـریف که عزّت امروز کشـور، وامدار رهبری‌های آنان اسـت، بسیار خالی است. ولی به برکت گنجینهٔ ارزشـمندی که از عملکرد و کلمات درخشان و هدایت‌بخش ایشان برای پیروان‌شان به‌جا مانده، روزهای آینده به‌مراتب شـکوهمندتر از ایـن روزها خواهد بود. زیرا آن ققنوسـی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اوّل برآمد، اینک در اثر فشـارهای دشـمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن‌چنان بزرگ شده است که سایهٔ پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

در این مجال بسیار بجا است که به‌مناسبت دوّمین سالگرد شـهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبههٔ مقاومت، شـهید عالی‌قدر جناب سـیّد حسن نصرالله قدّس‌الله‌نفسه‌الزّکیّه، یادی از آن‌جناب به‌عمل آید. کسی که خیرخواهی صادق بـرای ملّت خود و مکتبش بود و خطبه‌های صادقانه و با حلاوت او و اقدامات شجاعانه‌اش، قلـوب مردمانش و بلکـه آزادگان جهان را مسـتحکم می‌سـاخت. کسـی که نام لبنان را که کشوری کوچک اسـت و سال‌ها حیاط خلوت بعضی قدرت‌ها شده بود را به عظمت بلند ساخت. کسی که نصرت و فتح، همراهان دائمی او بودند و کسـی که بی‌تردید در طول کلّ تاریخ شـامات تاکنون، پس از انبیاء و اوصیاء ایشان، رَجُلی به عظمت او در آن خطّهٔ کهن سـر بلند نکرده بود. و البته اینک پرچم پرافتخار او در دستان جناب شیخ نعیم قاسم حفظه‌الله است که دلیرانه در پیشاپیش صفوف مستحکم و عاشورایی حزب‌الله، راه او را همچنان ادامه می‌دهند.

این روزهـای لبنان در پیشـگاه تاریـخ و بلکه از همین حال، روزهایی برجسـته و پرافتخار برای ایشان و همـهٔ مجاهدان مقاومـت، و روزهایـی ذلّت‌آفرین و نهایتاً سـرافکنده‌کننده برای آن کسـانی است که در مقابل دشمن صهیونی چشم امید به وعده‌های دروغین سـلطه‌گران و بدخواهـان خود دوخته‌اند. کسـانی که برخلاف سیّد شـهید مقاومت و سیّدهاشم صفی‌الدّین و مجاهدان کنونی مقاومت که در اسـتمرار زمان چون اختـرانـی تابناک نورافشـانی خواهند کـرد و راهنمای رهجویانِ مانده در حیرت‌هـا خواهند بود، خیلی زود و در اوّلین تورّق صفحات تاریخ، مدفون و فراموش خواهند شـد و هرگاه در آینده یادی از ایشان به‌میان آید، یادآور بدی و بی‌تدبیری و حتّی شاید خیانت خواهند گردید.

در پایان امیدوارم با استمرار تفضّلات الهی و دعای خاصّ سَـرورمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشّـریف و ارواحنا فـداه، ملّت ایران و همهٔ یاران مقاومت، جز با نصر و فتح و عزّت، و دشمنان‌شـان جز با شکست و خواری مواجه نشوند؛ بمنّ‌الله و کرَمه.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۶/مهر/۱۴۰۵

کدام شخصیت‌ها و رسانه‌ها از ایران به‌عنوان چهارمین ابرقدرت جهان نام بردند؟

اسـتاد علوم سیاسـی دانشـگاه شیکاگو ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ نوشـت: «چهارمین مرکز قدرت جهانی به‌سرعت در حال ظهور است: ایران».

حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سـیّد مجتبی حسـینی خامنـه‌ای، رهبر معظّم انقـلاب و فرمانـده کل قوا، روز دوشـنبه در پیامی به مناسبت سـالگرد روزهای آغازین جنگ تحمیلی اول و ایام‌الله دفاع هشت‌ساله و ماندگار ملّت ایران خاطرنشانَ کردند: «آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پر از عقب‌ماندگی، ذلّت و خواری، وابستگی، و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آنِ هسـتیم پُر است از پیشرفت، عزّت، اسـتقلال، و قدرِ اَعلای اعتبار در جهان اسـلام و بلکه کلّ جهان. امروز کسـانی ما را ابرقـدرت چهارم دنیا می‌دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می‌گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلّق به عترت طاهره صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین می‌داند و عمدهٔ مردمانش دلبسـتهٔ آن والامقامانند و برای اقامهٔ حق هراسی ندارند را قدرت اوّل جهان می‌داند».

در ایـن مطلـب، بـه نمونه‌هایی از شـخصیت‌ها و رسـانه‌هایی که از ایران به‌عنوان چهارمین ابرقدرت جهان نام بردند، اشاره می‌کنیم.

۱. رابرت اِی. پیپ (Robert A. Pape)، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو- ۱۷ فروردین ۱۴۰۵

مقاله «رابرت پیپ» در بخش دیدگاه نیویورک‌تایمز با عنوان The War Is Turning Iran Into a Major World Power «جنـگ، ایـران را به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل می‌کند» منتشر شده است.

«رابرت پیپ، استاد علوم سیاسـی دانشگاه شیکاگو، پس از جنگ اخیر در مقاله‌ای در نیویورک‌تایمز اسـتدلال کرد که ایران بـه‌سـرعت در حال تبدیل‌شدن به چهارمین مرکز قدرت جهانی در کنار آمریکا، چین و روسـیه است؛ نظریـه‌ای که پـس از آن در رسـانه‌ها و محافل تحلیلی مختلف با تعابیری چون «چهارمین قدرت جهانی» و حتی «چهارمیـن ابرقدرت جهان» بازتـاب یافت. عبارت رابرت پیـپ دقیقـاً «fourth center of global power» اسـت. استدلال او این است که ایران در پی تحولات اخیر، به یک «مرکز مستقل قدرت جهانی» تبدیل می‌شود؛ یعنی دولتی که می‌تواند بر رفتار قدرت‌های بزرگ و بر یک متغیر حیاتی نظام جهانی اثر تعیین‌کننده بگذارد.

پیپ در همان ابتدای مقاله می‌نویسـد که تصور رایج، وجود سه مرکز اصلی قدرت جهانی ـ آمریکا، چین و روسیه ـ بوده، اما:

«A fourth center of global power is quickly emerging- Iran»

یعنی: «چهارمین مرکز قدرت جهانی به‌سرعت در حال ظهور است: ایران».

او تصریح و اسـتدلال می‌کند که موقعیت جغرافیایی ایران، اهـرم تنگه هرمز و توان تحمیـل هزینه بر اقتصاد جهانی، نوعی قدرت سـاختاری جدید به ایران داده است. در پایان مقاله نیز صریحاً می‌گوید اگر این وضعیت تثبیت شود، نظام بین‌الملل می‌تواند حول ایران به‌عنوان چهارمین مرکز قدرت جهانی بازآرایی شود.

۲. تکـرار صریـح نظریـه پیـپ در مصاحبـه بـا Democracy Now -۲۰ فروردین ۱۴۰۵

سه روز بعد، پیپ در مصاحبه‌ای مفصل بار دیگر گفت ایران اکنون در حال تبدیل‌شدن به «چهارمین مرکز قدرت جهان» است و سه مرکز دیگر را آمریکا، چین و روسیه نام برد. او در آن مصاحبه، افزایش قدرت ایران را نتیجه ترکیب موقعیت تنگه هرمز، توان تاب‌آوری نظامی و کاهش قابلیت آمریکا برای تحمیل اراده خود در خلیج‌فارس دانست.

۳. ایندیا تودی- ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵: دقیقاً «چهارمین ابرقدرت جهان»

رسانه هندی India Today حتی از تعبیر صریح‌تر استفاده کرد و تیتر زد:

Is Iran emergingas theworld 'sfourthsuprpower?

یعنی: «آیـا ایران در حال تبدیل‌شـدن به چهارمین ابرقدرت جهان است؟»

این رسانه نظریه پیپ را مبنای تحلیل خود قرار داد و توضیح داد که این جایگاه احتمالی نه از برابری اقتصادی و نظامی ایران با سه قدرت دیگر، بلکه از ترکیب «تاب‌آوری در جنگ» و اهرم ژئوپلیتیکی تنگه هرمز ناشی می‌شود.

۴. اندیشکده Institute for Peace & Diplomacy

«کریسـتوفر مات» در مقاله‌ای به‌تاریـخ ۲۶ خردادماه ۱۴۰۵ در «مؤسسه صلح و دیپلماسی» نیز نوشت که جنگ ایران بحث‌هایی را درباره محدودیت قدرت آمریکا و همچنین ادعاهایی دربـاره تبدیل ایران به «چهارمین قدرت جهانی» (fourth global power) پدید آورده است.

نویسـنده تعبیر «چهارمین قدرت جهانی» و اصل این گفتمان را به‌عنوان یک بحث واقعی در محافل تحلیلی ثبت می‌کند.

۵. پاکستان‌تودی- ۱۶ مرداد ۱۴۰۵

روزنامـه Pakistan Today نیـز مقاله‌ای با عنوان: How Iran Emerged as Fourth Centre of Global Power منتشـر کرد و به‌تفصیل نظریه تبدیل ایران به «چهارمین مرکز قدرت جهانی» را بررسـی کرد. نویسنده توضیح داد که استدلال پیپ بر تعداد جنگنده‌ها یا اندازه اقتصاد ایران متکی نیسـت، بلکه بـر توان ایران برای تحمل حملات گسترده، حفظ ساختار سیاسی، ادامه عملیـات متقابل و جلوگیری از تحقـق کامل اهداف یک قدرت بزرگ استوار است.

۶. ۲۱ فروردین ۱۴۰۵، خبرگزاری تسـنیم یادداشتی با تیتر «تولد چهارمین ابرقدرت جهان در ۴۰ روز» منتشر کرد و در متن آن نوشت که پس از جنگ، ایران به سطحی رسـیده که از آن به عنوان «چهارمین ابرقدرت جهان» یاد می‌شود.

۷. ۲۰ اردیبهشـت ۱۴۰۵ نیـز دکتـر حمیدرضـا حاجی‌بابایی، نایب‌رئیس مجلس شـورای اسلامی، صریحا گفت: «ایران بـه چهارمین ابرقدرت جهان تبدیل شـده اسـت.» او این گزاره را به تحلیل‌های دانشگاهی، از جمله دانشگاه شیکاگو، مستند کرد.

همچنین ۳۱ تیر ۱۴۰۵، حجت‌الاسـلام والمسلمین حبیب‌الله شـعبانی موثقی، نماینـده ولی‌فقیه در همدان، گفت جنگ اخیر و همراهی ملی موجب شـده اسـت که ایران به «قدرت چهارم جهانی» تبدیل شود.

عراقچی:

حتی اگر کار به جنگ آخرالزمانی کشیده شود استوار خواهیم ایستاد

وزیر امور خارجه کشـورمان تصریح کرد: با رئیس‌جمهور به نیویـورک آمدیم تا زمینه صلح را فراهم کنیم؛ با این حال، ایران در برابر هرگونه تجاوزی همچنان استوار خواهد ایستاد.

سـیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در صفحه شـخصی خود نوشـت: در برنامه میت د پرس (شبکه NBC آمریکا) گفتم که رئیس‌جمهور پزشکیان و من بـرای جنگ به نیویورک نیامده‌ایـم؛ آمده‌ایم تا زمینه صلـح را فراهم کنیم؛ با این حال، ایران در برابر هرگونه تجاوزی همچنان استوار خواهد ایستاد؛ حتی اگر کار به جنگی آخرالزمانی کشیده شود.

عراقچی تصریح کرد: همزمان، ما برای دیپلماسـی واقعی نیز آماده‌ایم.

رفتار آمریکا در دو سال گذشته اعتماد به دیپلماسی را دشوار کرده است

همچنین وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با شـبکه NBC NEWS با اشاره به پیشنهاد ایران برای برقراری آتش‌بس هفت‌روزه اظهار کرد: این طرح می‌تواند شرایط خلیج‌فارس و تنگه هرمز را به وضعیت عادی بازگرداند و اکنون پرسـش این است که چرا آمریکا این پیشنهاد را رد می‌کند.

وی با بیان اینکه پیشـنهاد هفـت‌روزه ایران کاملاً روشـن است، افزود: ما آماده‌ایم تنگه هرمز را باز کنیم، مشـروط بر اینکه ایالات متحده اقدامات مشـخصی را انجام دهد. این خواسـته‌ها جدید نیست و از ناکجاآباد مطرح نشده، بلکه حقوقی اسـت که می‌خواهیم مورد احترام قرار گیرد.

عراقچـی ادامه داد: نخسـت از همـه می‌خواهیم جنگ پایان یابد. همچنین خواهان آزادسـازی پول‌ها و دارایی‌های ایران هستیم که به‌صورت غیرقانونی مسدود شده‌اند و می‌خواهیم بتوانیم نفت خود را بفروشیم.

وزیر امـور خارجـه تأکید کرد که خواسـته‌های مطرح‌شـده از سـوی ایران، مواردی مشخص است که ایالات متحده پیش‌تر در توافقات قبلی نسـبت به آنها متعهد شده اسـت. جزئیات منتشرشـده درباره طرح هفت‌روزه نیز حاکی از آن است که تهران رفع فشارهای نظامی و محدودیت‌های نفتی و آزادسـازی دارایی‌های مسدودشده را از جمله شـروط اجرای این طرح اعلام کرده است.

عراقچی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشـاره به رونـد مذاکرات ایران و آمریکا گفت: همیشـه برای دیپلماسـی امید وجود دارد، اما با توجه به رفتار آمریکا در دو سال گذشته، دلیلی وجود ندارد که بار دیگر با این دولت وارد تعامل شویم.

وی افزود: در سـال ۲۰۲۵ آمریکا پیشنهاد مذاکره داد، ایـران پذیرفت و وارد مذاکرات شـد، اما در میانه مذاکـرات به ایران حمله کردند. هشـت مـاه بعد، در فوریه ۲۰۲۶، بار دیگر پیشـنهاد مذاکره دادند و ایران نیز پذیرفت، اما باز هم در میانه مذاکرات حمله صورت گرفت.

وزیر امـور خارجه ادامـه داد: پـس از جنگ نیز پیشنهاد مذاکره برای دسـتیابی به توافق مطرح شد و ایران پذیرفت. سـه ماه مذاکره کردیم، اما تنها دو هفته طول کشید تا توافقی که خودشـان امضا کرده بودند، نقض شود.

عراقچی با وجود این، تأکید کرد که همچنان مسیر دیپلماسی را دنبال می‌کند، زیرا به گفته وی، نباید هیچ فرصتی برای صلح از دست برود.

وی تصریح کرد: ما به انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا یا موضوعات مشـابه اهمیت نمی‌دهیم و آنچه برای ما اهمیت دارد، منافع ملی ایران است.

وزیـر امور خارجه با بیان اینکه ایران همزمان برای مذاکره و مقابله با هرگونه چالش آمادگی دارد، گفت: ما همان‌قدر که برای مذاکره آمادگی داریم، برای مواجهه با هر چالشی نیز آماده‌ایم و در برابر هر تهاجمی ایستادگی خواهیم کرد.

عراقچـی افزود: در عین حالِ، ما برای دیپلماسـی آماده‌ایم و اکنون یک طرح کاملاً منطقی روی میز است. اگر آنها بدون هیچ دلیلی آن را رد کنند، این مسئولیت خودشان است.

وی با اشـاره به اظهارات اخیر رئیس‌جمهور آمریکا درباره رد پیشـنهاد ایران گفت: اگرچه از رئیس‌جمهور ترامپ شـنیده‌ایم که این توافق را رد کرده اسـت، ما همچنان منتظر پاسـخ رسـمی از طریـق میانجی‌ها هسـتیم. گزارش‌های منتشرشـده نیز از تأکید تهران بر دریافت پاسـخ رسمی از مسـیر میانجی‌ها حکایت دارد.

عراقچی: روز ششم تنگه هرمز باز می‌شود و روز هفتم مذاکرات از سر گرفته خواهد شد

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره اعتماد ایران به رئیس‌جمهور آمریکا اظهـار کرد: ما به خودمان اعتماد داریم.

وی با اشـاره به جزئیـات طرح هفـت‌روزه ایران گفت: اگر آمریکا واقعاً خواهان توافقی برای بازگشـایی تنگه هرمز اسـت، اکنون این امکان وجود دارد. ما یک طرح هفت‌روزه پیشنهاد کرده‌ایم و از آمریکا می‌خواهیم اقدامات مشـخصی را انجام دهد که به اعتقاد ما ظرف چهار یا پنج روز قابل انجام است.

وزیر امور خارجه افزود: در روز ششـم، تنگه هرمز باز خواهد شـد و در روز هفتم، مذاکرات با آمریکا برای دستیابی به توافق نهائی از سر گرفته می‌شود.

بر اسـاس گزارش‌های منتشرشده، طرح ایران نیز بر همین جدول زمانی اسـتوار است؛ به‌گونه‌ای که پس از انجام اقدامات اولیه از سـوی آمریکا، بازگشایی تنگه هرمز در روز ششـم و ازسرگیری مذاکرات در روز هفتم پیش‌بینی شده است.

عراقچـی در پایان گفـت: ایران همچنـان برای دیپلماسـی آماده اسـت، امـا در عین حـال در برابر هرگونه تجاوز نیز از منافـع و حقوق خود دفاع خواهد کرد.

هدیه به خوانندگان

شهیدسیدحسن نصرالله: ما، دولت که هیچ، کشور که هیچ، قریه که هیچ، ما طویله‌ای هم به نام اسـرائیل نمی‌شناسیم، حتی اگر همه دنیا آن را به رسمیت بشناسد.

اخبار ادبی و هنری

پیام رئیس رسانه ملی ویژه مراسم «صدای مقاومت»

رئیس رسـانه ملی به مناسبت برگزاری مراسم «صدای مقاومت»، پیامی صـادر و بر نقـش رادیو در روایت روزهای جنـگ ۴۰ روزه و ضرورت ثبت و ماندگار کردن یاد شهدا، ایستادگی مردم و تلاش اهالی رسانه تأکید کرد.

در بخشـی از متن پیام رئیس رسانه ملی آمده است: «صدای مردمی که در روزهای دشـوار کنار یکدیگر ایستادند، صدای خانواده‌هایی که عزیزترین سـرمایه خود را تقدیم ایران کردند، صدای خبرنـگاران و هنرمندانی که در میانه بحران روایت کردند و صدای شـهیدانی که با نثار جان خود، بلندترین پیام ایسـتادگی را به تاریخ سپردند، بخشی از حقیقت جنگ ۴۰ روزه است، حقیقتی که ثبت آن، مسئولیتی ماندگار بر دوش رسانه گذاشته است.»

در ادامـه این پیام می‌خوانیم: «مراسـم «صدای مقاومـت» فرصتی برای شنیدن دوباره این روایت‌ها و ادای احترام به نام‌هایی است که نباید از یاد بروند. رونمایی از مجموعه مستند رادیویی «شهدای دفاع مقدس ۳»، تلاشی ارزشمند برای ثبت زندگی، ایثار و شـهادت جمعی از فرزندان ایران اسـت، روایت‌هایی ماندگار که نسل‌های آینده را با انسان‌هایی آشنا می‌کند که در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ معاصر، انتخاب خود را با فداکاری به اثبات رساندند.»

امضای توافقنامه تولید مشترک سینمایی میان ایران و روسیه

معاون توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسـلامی گفت: هفته فرهنگی ایران در روسـیه به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی بین‌المللی کشور در دوران جدید، با همراهی بیش از ۳۰ دستگاه، در چهار شهر روسیه برگزار می‌شود.

حسـین دیوسالار در مصاحبه با خبرگزاری صدا و سـیما در روسیه، اظهار داشـت: در این رویداد عرصه‌هـای متنوعی از جمله هفته دوسـتی برنامه‌های کودک و نوجوان، صادرات فرهنگی، جشـنواره فیلم، کمیسیون مشترک، امضای تفاهم‌نامه‌ها، نمایشـگاه فرهنگی و هنری و اجرای موسـیقی در سالن‌های مهم روسیه برنامه‌ریزی شده است. برنامه‌ها از روز دوم مرداد در سن‌پترزبورگ با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اجلاس فرهنگ‌های متحد آغاز شد و پس از آن نشسـت دوجانبه‌ای با وزیر فرهنگ روسیه برگزار شد. در همین سفر، کمیسیون فرهنگی و چهارمین کمیته فرهنگی کمیسیون مشترک همکاری‌های دو کشور برگزار و به امضای سـند نهائی رسید. معاون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی افزود: در کنار آن، توافقنامه تولید مشترک سینمایی دو کشور که بیش از هشت سـال در جریان پیگیری بود و طی یک سال اخیر به‌صورت فشرده ادامه داشت، در ماه برگزاری هفته فرهنگی به نتیجه رسید و به امضای وزرای دو کشور رسید. همچنین وزیر فرهنگ در بزرگ‌ترین دانشـگاه فرهنگ روسیه در سن‌پترزبورگ حضور یافت و سـخنرانی کرد. معاون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درباره گستره زمانی رویداد توضیح داد: هفته‌های فرهنگی همواره لزوما هفت روز نبوده و حتی دوره‌هایی پنج‌روزه یا هشت‌روزه برگزار شده است. این بار به دلیل گسترده بودن جغرافیای کار در چهار شهر، برگزاری در یک هفته ممکن نبود؛ به‌گونه‌ای که همزمان با ادامه نمایشگاه در مسکو، افتتاحیه نمایشگاه در کازان برگزار می‌شود.

بازیگر و کارگردان آمریکایی: هیچ افتخاری در جنگ وجود ندارد

سیلوسـتر اسـتالونه، بازیگـر و کارگـردان آمریکایـی، در گفت‌وگو با نیویورک‌تایمز از تغییر نگاه خود به جنگ سـخن گفت و تأکید کرد که دیگر جنگ را بیهوده و فاقد افتخار می‌داند.

استالونه با اشاره به تغییر دیدگاهش درباره جنگ گفت: «حالا متوجه شده‌ام که همه جنگ‌ها بیهوده و احمقانه هسـتند.» او در ادامه، جنگ را «سازوکاری برای اینکه پول‌های هنگفتی نصیب وزارت جنگ و تولیدکنندگان تسـلیحات شود» توصیف کرد. بازیگر «اولین خون» درباره سرنوشت سربازانی که به میدان جنگ اعزام می‌شـوند نیز گفت: «این بچه‌ها فقط به آنجا فرستاده می‌شوند؛ به یک دستگاه خردکن که در آن تکه‌تکه می‌شوند.» او افزود: «من از آن متنفرم و شدیداً مخالف آن هستم. اما زمانی واقعاً طرفدار سرسخت جنگ بودم.»

اسـتالونه درباره تغییر این نگاه و تأثیر فیلم «اولین خون» بر دیدگاهش توضیـح داد: «فکر می‌کنـم واقعاً فقط از روی سـاده‌لوحی بود، چون خیلی مطالعـه کردم، به‌خصوص بعد از فیلم «اولین خـون»، و با خودم گفتم: این وحشیانه است، این وحشتناک است. هیچ افتخاری در جنگ وجود ندارد.»

او در عین حال میان جنگ و دفاع از خود تفاوت قائل شـد و گفت: «اگر مـورد حمله قرار بگیرید، طبیعتاً بایـد از خودتان دفاع کنید؛ اما همه جنگ‌ها اساساً هر دو طرف را نابود می‌کنند.» استالونه که با نقش‌هایی مانند «راکی» و «رمبو» به شهرت جهانی رسیده، در این گفت‌وگو به تجربه ساخت آثاری درباره جنگ و خشونت نیز بازگشت و توضیح داد که مطالعه و تجربه‌های حرفه‌ای، نگاه او را نسبت به تصویری که از جنگ ارائه می‌شود تغییر داده است.

کارگردان اسرائیلی «نازا»: آمریکا با پول مالیات‌دهندگان از جنگ غزه حمایت می‌کند

یووال آبراهام، کارگردان اسـرائیلی مسـتند «نازا»، در جشـنواره فیلم نیویورک دولت آمریکا را به تأمین مالی و تسـلیحاتی اسـرائیل متهم کرد و گفت این حمایت با پول مالیات‌دهندگان آمریکایی انجام می‌شود.

مستند «نازا» سـاخته یووال آبراهام و ریچل سـزور، پس از نمایش در جشنواره فیلم نیویورک با تشویق ایستاده تماشاگران همراه شد. آبراهام پس از نمایش فیلم در نشسـت پرسش و پاسخ جشنواره گفت نمایش این مستند در آمریکا اهمیت ویـژه‌ای دارد، زیرا به گفته او، دولت آمریکا میلیاردها دلار برای اسرائیل و کمک‌های نظامی آن اختصاص می‌دهد.

آبراهام خطاب به تماشـاگران گفت آنچه در غزه در جریان اسـت، با پول مالیات‌دهندگان آمریکایی نیز مرتبط است و افزود یکی از اهداف فیلم این است که انکار آنچه در غزه رخ می‌دهد دشوارتر شود. او همچنین در پاسخ به انتقادها درباره محتوای فیلم، حمله ۷ اکتبر را رد نکرد اما گفت این حمله نمی‌تواند کشتار غیرنظامیان در غزه را توجیه کند. «نازا» پیش از جشنواره نیویورک در جشنواره فیلـم ونیز به نمایش درآمـد و جایزه ویژه هیئـت داوران را دریافت کرد. این فیلم در ونیز با اسـتقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و طبق گزارش‌های منتشرشده، ۲۴.۵ دقیقه تشـویق ایستاده دریافت کرد. این مستند با استفاده از شهادت ۲۴ منبع ناشناس از نیروهای نظامی و اطلاعاتی اسرائیل، به سازوکارهای شناسایی و هدف‌گیری افراد و ساختمان‌ها در غزه می‌پردازد. عنوان فیلم نیز از اصطلاحی نظامی گرفته شده که به تعداد غیرنظامیان پیش‌بینی‌شده برای کشته‌شدن در یک حمله اشـاره دارد. «نازا» در کنار استقبال جشنواره‌ای، با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو شده است. در اسرائیل، اظهارات و اقدامات سیاسی علیه دو کارگردان فیلم مطرح شده و در زمان نمایش آن در نیویورک نیز گروهی از معترضان در خارج محل برگزاری جشنواره تجمع کردند و فیلم را ضداسرائیلی خواندند.

آدام برودی: آنچه در غزه رخ می‌دهد «نسل‌کشی» است

بازیگر یهـودی آمریکایی با حمایت علنی از فلسـطین، از تغییر فضای سیاسی هالیوود و افزایش موضع‌گیری هنرمندان درباره جنگ غزه گفت.

آدام برودی، بازیگـر آمریکایی، در گفت‌وگویی با مجله «جی‌کیو» از حمایت خود از فلسـطینی‌ها سخن گفت و جنگ اسرائیل در غزه را «نسل‌کشی» توصیف کرد. او همچنین با اعلام حمایت از «فلسـطین آزاد» گفت که پیش از این نیز در محافل خصوصی درباره فلسطین صحبت می‌کرد، اما کمتر موضع خود را به شکل علنی مطرح کرده بود. برودی که در سـریال «هیچ‌کس این را نمی‌خواهد» نقش خاخام نوح روکلوف را بازی می‌کند و سابقه حضور در مجموعه «جیغ» را نیز دارد، درباره رنج فلسـطینی‌ها گفت که میزان مرگ و ویرانی رخ داده «افتضاح» است و وضعیت باید بسیار زودتر تغییر می‌کرد. او ابراز امیدواری کرد دولت‌ها سیاست‌های خود را اصلاح کنند و برای بهبود شـرایط موجود اقدام کنند. این بازیگر در بخش دیگری از گفت‌وگو، درباره فضای سیاسـی هالیوود نیز اظهار نظر کرد و گفت به باور او، این صنعت در سـال‌های اخیر سیاسـی‌تر شده اسـت. برودی همه‌گیری کرونا، بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری و جنگ غزه را از عواملی دانست که باعث شـده دیدگاه‌های سیاسی متفاوتی در صنعت سرگرمی بیش از گذشته مطرح شـود. اظهارات برودی همزمان با افزایش موضع‌گیـری برخی بازیگران و هنرمندان درباره فلسطین مطرح شده است. در هفته‌های اخیر نیز حمایت شماری از چهره‌های هنری از مکلمور در پی مواضع او درباره غزه خبرسـاز شـد. ملیسـا باررا، بازیگر مکزیکی مجموعه «جیغ» که در سـال ۲۰۲۳ پس از انتشار مطالبی در حمایت از فلسـطینی‌ها از این مجموعه کنار گذاشته شد، نیز اخیراً از افزایش همبستگی علنی هنرمندان با فلسطین سخن گفته است.